



خطاب به ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، جناب آقای روحانی،
و همچنین به جنابان، وزرای محترم دادگستری، ارشاد، امور خارجه، و علوم

محترماً اگر مصدع شده و بدین وسیله، نگرش پنج تن از رؤسای امور را از مسئولیت جاری منحرف میکند، علت این است که مثبت نمونه خروار است و آنچه بازگو میکند نمونه اقداماتی است که باعث سستی نظام، بی آبرویی دولت، و مآلاً سرافکنگی ایران و ایرانی میگردد.

طرح موضوع - سال گذشته، قبل از برگزاری نهمین اجلاس بین المللی ایران شناسی در استانبول، سر دبیر کیهان ناگهان بانگ وای اسلاما، وای ایرانا، در داده، همگان را بر حذر داشت که غرض اصلی از تشکیل این جلسات، استخدام جاسوس برای اسرائیل است و هر که برود طبعاً رغبت بدین کار دارد. یکی از مأمورین امنیتی هم به بنده، که بطور اتفاقی در تهران بودم، تلفن کرد که اگر بروم بر علیه بنده اقدام "قانونی" بعمل خواهد آورد. جواب دادم که چون ایمان دارم که شرکت بنده و امثال من در این جلسات بین المللی به نفع ایران است میروم، و ده روز دیگر برمیگردم، هر اقدامی خواستند آن زمان بکنند. در موعد مقرر به ایران بازگشتم و سه روز بعد خارج شدم. اما یک روز بعد از خروج، حکم ممنوع الخروجی بنده صادر شد، و متعاقب آن به فرودگاه ابلاغ شد که بازداشتی عندالورود هستم.

هوچی به مثل سردبیر کیهان در همه ادوار بوده و خواهد بود. مهم این است که واکنش دولت و قانون در برابر هوچی بازی چیست. اگر قرار باشد که هوچیگری حکم قانون پیدا کند، بهتر است در مجلس تخته شود و دولت رسماً مزدور هوچی شود.

۱ - **خطاب به وزیر محترم دادگستری** - جرم بنده هر چه باشد، صدور حکم فضاحت بار پیوست از

جانب دستگاهی که خود را وابسته به قوه قضائیه میداند و نشان آنرا بر سر لوحه خود گذاشته است، در درجه اول مایه تنگ آن وزارتخانه است.

مگر میشود که نگویند که شاکی کیست و اتهام چیست، ولی بگویند که: اعتراضی اگر باشد ظرف ۲۰ روز کتباً تسلیم شود؟ بدتر آنکه این موضوع روی فرم چاپی درج شده است، یعنی که این نامه به کرات فرستاده میشود و به کرات قوه قضائیه را بی آبرو میکند.

تاریخ ۱۳۹۲/۵/۲۵	بسمه تعالی	
شماره ۱۱۰۰۳۷۰۲	کلاس پرونده	
برگ احضار متهم		
نام: امیراله	نام خانوادگی: سودآور	نام پدر: صه
محل اقامت: شهر ری، بلوار آزادی، روستای بن بست خانی، پلاک ۲، طبقه ۷	استان: تهران	بخش: روستا
محل: خیابان	کوچه: پلاک	
در خصوص شما در پرونده کلاسه فوق الذکر قرار ممنوع الخروجی صادر شده است. چنانچه اعتراضی دارید ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ کتباً به این شعبه اعلام نمایید.		
محل حضور:		
شعبه دوم دادبازی دادسرای شهید مقدس تهران		
استان: تهران - یادگار امام - جنب زندان اوین		
وقت حضور:		

به سعایت سردبیر کیهان، بنده را متهم به اقدام بر علیه امنیت ملی و جاسوسی برای اسرائیل کرده اند. زمانی دگر، شیخ الرئیس ابوعلی سینا را متهم به کفر و زندقه کردند، جواب نوشت:

کفرِ چو منی گزاف و آسان نبود محکم تر از ایمان من، ایمان نبود
در دهر چو من یکی و آنهم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود

بنده نیز میگویم که ایران دوست چو من یکی و آنهم جاسوس، پس در همه ایران یک وطن دوست نبود. یا سواد ندارند یا خود را به کوچه علی چپ می زنند. کافی است به تارانه خود بنده رجوع کنند و ببینند که با صرف سرمایه شخصی چقدر در جراید خارج بر علیه تبلیغات منفی اسرائیل مبارزه کرده ام و چقدر اقدامات بنده مؤثر بوده اند. فکری دیگر باید که این وصله بما نمی چسبد.

این چه دادگاهی است که حتی به وکیل بنده اجازه مطالعه پرونده را نمیدهند؟ اگر کارشان درست است و اهمه از چه دارند؟ البته سوال بی فایده ایست، چون هرآنکس که این احضاریه فضاحت بار را فرستاده است، قبح اینکار را نیز نمی فهمد.

۲ - خطاب به وزیر محترم ارشاد - امروز که این نامه را مینگارم از اجلاسیه دیگری که در شهر سارایوو (پایتخت بوسنی) تشکیل شده بود باز میگردم. علاوه بر سه پیره زن اسرائیلی که در استانبول شرکت جستند دو پیر مرد دانشمند اسرائیلی هم حضور داشتند. دانشگاهیان ایرانی نیز آمدند، نه کسی مانع آمدن آنها شد و نه کسی آنها را از نزدیکی با اسرائیلیان بر حذر داشت. چگونه است که این بارسر دبیر کیهان خاموش ماند و آهنگ و ای اسلاما و ای ایرانا سر نداد؟

بدتر آنکه، آن مأمور امنیتی که تلفن کرد، از اتهامات سرتاپا غلط سردبیر کیهان که نوبتی قبل در باره خانواده ما نوشته بود با اطلاع بود، و جوابیه بنده را که در تارانه های مختلف، از جمله تارانه خودم و تارانه های "سید ناصر بهشتی" و "فرهنگ اسلامی ایران" درج شده است، خوانده بود. یعنی غرض-ورزی او را میشناخت ولی باز پیروی از او میکرد. پس معلوم میشود که این سردبیر کیهان است که مأمورین امنیتی را دنبال نخود سیاه میفرستد و از مسئولیت اصلی فارغ میدارد. اگر اسرائیلی ها چپ و راست متخصصین ایرانی را ترور می کنند و چندین ساختمان نظامی را یکجا تخریب می کنند، دلیلش آنست که توجه مأمورین معطوف امثال بنده است و نه دشمنان واقعی.

متأسفانه در همه ممالک، حواس مأموران امنیتی نهایتاً متوجه اولیای امور است، و اگر فکر کنند که جو سیاسی ایجاب میکند که دنبال نخود سیاه بروند، میروند، کما اینکه در امریکا هم، بدلائیل سیاسی، توجه مأمورین کلاً معطوف ایرانیان بود و غافل از اعرابی که در مدارس خلبانی خودشان آموزش میدیدند تا هواپیماهای ایشان را سرنگون کنند.

۳ - خطاب به وزیر محترم امور خارجه - در دنیایی که تبلیغات غرب بر علیه ایران و ایرانی بسیج شده است، یکی از مهمترین وسایل مبارزه با ایشان شناساندن عظمت فرهنگ ایران است. این جلسات بین المللی ایران شناسی، خاری است در چشم دشمنان. وزارت خارجه را وظیفه این است که اینکار را تشویق کند و نه اینکه وقتی هوچی ها وارد معرکه میشوند، خود را کنار بکشد و دم فرو بندد. مهم تر آنکه، برای اولین بار، در اجلاسیه استانبول تعداد کثیری از دانشمندان ترک

جوان شرکت جستند، چون سیاست ترکیه برگشته است، و ترکانی که از زمان آتاتورک، گذشته عثمانی خود را مایه ننگ می‌شمرند، حال بدان افتخار میکنند و از برای مطالعه آن دوره، اجباراً به فرهنگ ما می‌پردازند و قرابتی نیافته با ما حس میکنند. چگونه است که بجای تشویق این نزدیکی، سیاست خارجی ایران پیرو چرندیات کیهان میشود و مانع رفتن ۸۰ دانشمند ایرانی به استانبول؟

موضوعی دیگر، شاید مهمترین وسیله تبلیغات منفی غرب علیه ایران، جمله ایست که آقای احمدی‌نژاد به عاریت از آقای خمینی گرفتند و رسانه های غربی آنرا به غلط ترجمه کردند و بطور مستمر تکرار کردند تا افکار عمومی غربیان را بر علیه ایران تهییج کنند. یکی از سفرای اسبق فرانسه در ایران به بنده بازگو کرد که دولت فرانسه میداند که ترجمه معمول این جمله غلط است ولی به عمد بکار میبرد. مخبرین غرب هم میدانند ولی دروغ را بی پروا تکرار میکنند.

در خلال این مدت یک نفر از دولتیان نتوانست بدرستی از موضع ایران دفاع کند. یا به دلیل عدم آشنایی به زبان خارجه، و یا به دلیل ناآشنایی با روش مصاحبه غربیان، در برابر سوالات خبرنگاران دریده ایشان، با سری افکنده، و صدایی نارسا، و جملاتی نا مفهوم، جوابی دادند که هیچ شنونده و بیننده ای نفهمید، تا عاقبت این دروغ بزرگ غربیان جا افتاد.

در امور تبلیغاتی، بهترین دفاع حمله است. این ترجمه غلط غربیان، نقطه ضعف آنهاست. چون هزار بار این دروغ را به عمد تکرار کرده اند، وظیفه وزارت خارجه است که من بعد هزارها بار این تقلب غربی ها را بر ملا کند. اگر نمیدانند چگونه حمله باید کرد به تارانه بنده مراجعه کنند و ببینند که حمله مؤثر چگونه است.

۴ - خطاب به وزیر محترم علوم - چه مورد دارد که آن وزارتخانه مانع رفتن ۸۰ نفر از اساتید دانشگاه به ترکیه بشود؟ مگر حرف کیهان حجت است؟ اگر قرار باشد که مرام وزارت علوم توسط کمونیست-پیشه اسلام-گرایی تعیین شود که کارش حمله به دانشگاهیان و دانشمندان است، بهتر است نام وزارتخانه را از "وزارت علوم و تحقیقات و فناوری" مبدل به "وزارت فنا آوری" کنند.

جناب آقای روحانی - پس از انتخاب آقای اوباما به ریاست جمهوری امریکا، تصور میرفت که آنکه حقوق خوانده و قانون اساسی تدریس کرده، قانون را ارج خواهد گذاشت. لذا نامه پیوست را فرستادم و جواب آمد که تحت مطالعه است، ولی سریعاً معلوم شد که اونیز تابع سیاسیون است و نه حامی قانون. اکنون شما را دیدم که در مناظراتتان مکرر گفتید که "اهل قانون" هستید. گفته کافی نیست، عملکرد شماست که مشخص خواهد کرد که حرمت قانون را به دل دارید یا فقط به زبان. والسلام.

با تقدیم احترامات فائقه
ابوالعلاء سودآور

[Letter to Pres. Obama.](#)
[His answer](#)